

بایسته‌های فقهی بودجه بندی پژوهش در حکومت اسلامی

محسن داوود آبادی فراهانی^۱
سیدعلی هاشمی^۲
محمد مهدی عباسی گویدرق^۳

چکیده

حکمرانی پژوهش، به معنای جهت دهی، راهبری و اعمال نفوذ بر روی مجموعه فعالان عرصه‌ی پژوهش در کشور است. حکمرانی پژوهش شامل حیطه‌های وسیعی مانند تأمین مالی پژوهش، توانمندسازی، اولویت‌گذاری، ارزشیابی نهادها و کنشگران می‌شود. حکومت موظف است با اتخاذ سیاست‌های صحیح از ظرفیت پژوهش‌های انجام شده در راستای اعتلای جامعه حداکثر استفاده را بنماید. مسئله‌ی اولویت‌بندی (در بودجه بندی پژوهشی) از مهمترین مسائل عرصه‌ی حکمرانی پژوهش بوده که در این مقاله از منظر فقه اسلامی، با روش اجتهادی و با استفاده از منابع وحیانی (قرآن و سنت) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که حکومت اسلامی و به‌خصوص بخش آموزش عالی به‌عنوان یکی از مهمترین متولیان پژوهش و تولید علم در کشور براساس وظایف اصلی خود یعنی اجرای عدالت، تعلیم و تربیت دینی، اقامه‌ی دین و آبادانی کشور و نیز مبتنی بر دو قاعده‌ی مهم فقهی «اعانه‌ی بر بر» و «حفظ نظام» لازم است در بودجه ریزی پژوهشی موضوعات علوم مرتبط با آبادانی کشور، علوم انسانی اسلامی، امور حسبه، خودکفایی کشور، کادرسازی برای نظام را در اولویت قرار دهد.

واژگان کلیدی: حکمرانی پژوهش؛ حکومت اسلامی، بودجه‌بندی، فقه، قاعده‌ی اعانه‌ی بر بر؛ قاعده‌ی حفظ نظام

۱. دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه و دکترای تخصصی فقه تربیتی (نویسنده‌ی مسئول)

۲. دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه

۳. دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲



۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

یکی از مسائل بنیادین در مسیر رشد و پیشرفت هر جامعه که حل شدن آن مساوی حلّ اکثر مسائل جامعه خواهد شد، مسئله علم و پژوهش و مخصوصاً مسئله‌ی راهبری و جهت‌دهی آن است. پژوهش، کلید پیشرفت کشور است؛ زیرا یکی از پایه‌های مهم هر گونه رشد و تعالی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود و کیفیت مترقی نظام‌های پژوهشی مختلف در برخی کشورهای پیشرفته حاکی از این مسئله است (رک: داوری اردکانی، ۱۳۹۲: ۴۹).

مقصود از حکمرانی فرایندی است که در آن حاکمان در خصوص موضوعات مختلف تحت اشراف خود قوانین وضع کرده و در نهایت، این قوانین ابلاغ و اجرا می‌شوند؛ به عبارت دیگر حکمرانی به‌عنوان مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادها که حاکمان در چارچوب آن‌ها عمل می‌کنند یا به‌عنوان روش پیاده‌سازی قدرت در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای مدیریت تمام مناسبات کشور در تمامی سطوح تعریف شده است (کافمن، ۲۰۰۳: ۵). یکی از عرصه‌های اعمال مدیریت توسط حکومت‌ها عرصه‌ی علم است که شامل آموزش و پژوهش می‌شود.

حکمرانی پژوهش عبارت است از فرآیند طراحی، تنظیم و اعمال سازوکارهای هدایت و هماهنگی میان مجموعه کنشگران عرصه پژوهش در کشور که در منطقه و وابستگی متقابل با یکدیگر قرار دارند. این مفهوم، حوزه‌های توسعه‌ای برای پژوهش‌های مالی، توانمندسازی پژوهشگران و نهادهای علمی، تعیین اولویت‌های پژوهشی، ارزیابی عملکرد نهادها و کنش‌های علمی از حیث میزان مشارکت در تولید، توسعه دانش اقتصادی و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی را دربرمی‌گیرد. همچنین حکمرانی پژوهش شامل ایجاد اقدامات نهادی، سیاستی و ساختارهای انگیزشی برای هدایت و تنظیم رفتار کنشگران در تعیین اهداف و اهداف کلان



پژوهشی کشور است. (جوادی و دانایی فرد، ۱۳۹۷: ۶۲). جهت دهی به علم و پژوهش، نه تنها در مقام نظری پذیرفته شده است، بلکه در مقام عمل (تاریخ دخالت دولت ها برای جهت دهی به علم و پژوهش) نیز تأیید شده است و بهترین دلیل برای امکان داشتن چیزی، وقوع آن در عالم خارج است. (جوادی و امامی، ۱۴۰۰: ۲۳۴) «نظام بودجه ریزی»، فرآیندی است که تهیه ی برنامه مالی، بررسی و تصویب این برنامه ها به وسیله قانون گذار، اجرای برنامه و در نهایت نظارت، ارزیابی و گزارش دهی نتایج را در بر می گیرد. بودجه ریزی اهداف متعددی را دنبال می کند که از جمله ی آن ها، فراهم کردن چارچوبی برای تدوین سیاست های مالی است. (کردبچه، محمد، ۱۴۰۱: ۲۳) به عبارت دیگر بودجه تبلور سیاست های مالی دولت است (خزلی، صدیقه و محمدی پور، رحمت اله، ۱۳۹۷: ۲۰۶)

در مراکز تحقیقاتی به منظور ایجاد شرایط پژوهش و زمینه سازی برای اجرای سیاست های پژوهشی، بودجه ی تحقیقاتی مصوب می شود. این بودجه به منظور تخصیص به گروه ها و پروژه ها نیاز به تجزیه و تحلیل براساس شاخص های مورد نظر سازمان دارد. پروژه هایی باید مورد حمایت قرار گیرند که با اهداف کلان و راهبرد های سازمان هم راستایی مناسب داشته باشند. (نصر اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۷) بودجه به عنوان ابزار سیاست گذاری در اختیار دولت، به دنبال تخصیص منابع محدود به نیازها و خواسته های نامحدود است. بدین معنا، یکی از کارکردهای اصلی بودجه ریزی، انتخاب یا اولویت دادن به برخی از موضوعات (جهت پژوهش) است که برای آنها بودجه تعیین می گردد. (رک: کردبچه، محمد، ۱۴۰۱: ۲۴)

تعیین اولویت های موضوعی (در بودجه ریزی پژوهشی) از مهمترین مسائل عرصه حکمرانی پژوهش بوده که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع این پژوهش در پاسخ به این سؤال تدوین شده است که چه موضوعاتی در نظام (حکومت) اسلامی دارای اهمیت و اولویت برای پژوهش هستند؟ و حکومت اسلامی و به طور خاص بخش آموزش عالی به عنوان یکی از مهم ترین متولیان پژوهش و تولید علم در کشور (رک: سیاست های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص



مصلحت نظام و همچنین داودآبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۷) به چه موضوعاتی در عرصه‌ی پژوهش باید سرمایه‌گذاری و صرف بودجه نماید؟ اهتمام دولت به برخی از موضوعات پژوهشی می‌تواند در قالب طراحی مستقیم، حمایت، سیاست‌گذاری و توسعه‌گری بروز و ظهور یابد؛ اما پرسش اساسی آن است که در متون اسلامی، ملاک انتخاب موضوعات برای تصدی یا حمایت مالی (اختصاص بودجه‌ی عمومی) حکومت اسلامی در میان اولویت‌های مختلف پژوهشی چیست؟ شایان ذکر است که منابع اسلامی، سرشار از مفاهیم مرتبط با راهبری و جهت‌دهی در عرصه‌ی علم و فناوری هستند.

فقه اسلامی به‌عنوان دانشی کاربردی که عهده‌دار تبیین احکام عملی مکلفان است، می‌تواند پاسخ‌های ارزشمندی برای تبیین این موضوع ارائه دهد. در واقع، صورت‌بندی فقهی این پرسش چنین است: از منظر شرعی، کدام‌یک از موضوعات پژوهشی برای اختصاص منابع و بودجه عمومی پژوهش، از اولویت و رجحان بیشتری برخوردارند؟ به نظر می‌رسد از منظر اسلام، علم دارای اقسام و مراتب مختلفی است و بر اساس تفاوت ماهیت و کارکرد هر یک از این اقسام، سیاست و نحوه برخورد دولت اسلامی با آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود. از این رو، در ادامه، انواع علم و الزامات سیاست‌گذاری پژوهشی مربوط به هر یک بررسی خواهد شد.

۲-۱. پیشینه‌ی پژوهش

از تحقیقات انجام شده در موضوع حکمرانی پژوهش می‌توان به مقاله‌ی عظیمی‌نژاد و همکارانش (۱۳۹۸) با عنوان «حکمرانی پژوهش در حوزه ICT ارائه‌ی چارچوبی برای اولویت‌بندی پژوهش‌ها» اشاره کرد که در آن ضمن معرفی مفهوم حکمرانی پژوهش و لزوم پیاده‌سازی آن در حوزه پژوهش‌های ICT، به ارائه‌ی چارچوبی برای اولویت‌بندی پژوهش‌های این حوزه، به عنوان یکی از عناصر حکمرانی پژوهشی پرداخته و کارآمدی این چارچوب را مورد سنجش قرار داده‌اند. همچنین جوادی و دانایی‌فرد (۱۳۹۷) «شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران» را مورد پژوهش قرار



داده‌اند. ایشان در این مقاله پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها با روش تحلیل مضمونی، چارچوب حکمرانی پژوهش را استخراج نموده‌اند که دارای هفت بخش اصلی است: کلیت نظام، درونداد، جعبه حکمرانی (به مثابه فرایند سیستم پژوهش، دارای سه سطح کلان، میانی و خرد)، برونداد، باز داد، فرهنگ و محیط پژوهش و نظامات مرتبط با پژوهش.

در موضوع بودجه بندی پژوهش نیز خالدی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب شناسی نظام بودجه ریزی و هزینه کرد اعتبارات دولتی پژوهش» به این موضوع پرداخته‌اند. خزلی و محمدی پور (۱۳۹۷) مقاله‌ای در موضوع بودجه ریزی پژوهشی و تبیین تأثیر آن بر بهره‌وری فعالیت‌های تحقیقاتی و بررسی راهکارهای اصلاحی نوشته‌اند. بهروز و همکاران (۱۳۹۸) به آسیب شناسی بودجه بندی پژوهش و فناوری در ایران با استفاده از روش فراترکیب پرداخته‌اند.

تحقیقات سابق که غالباً به تبیین مباحث حکمرانی و بودجه بندی پژوهش از نظر خبرگان و اسناد بالادستی پرداخته‌اند؛ جنبه‌ی فقهی نداشته و قابل نقد به لحاظ فقهی نمی‌باشند.

در پژوهش‌های حوزه‌ی بودجه، تنها دورویکرد فقهی یافت شد: نخست، مقاله‌ی «بودجه از منظر فقه و اقتصاد مقاومتی» (یثربی و سلیم زاده، ۱۴۰۳) که عمده متن آن بر جایگاه اقتصاد مقاومتی در بودجه ریزی دولتی متمرکز است؛ جنبه‌ی فقهی بسیار محدودی دارد، تنها به نکات کلی درباره بودجه عمومی و بیت المال اشاره کرده است و فاقد تحلیل فقهی و استنباطی است. دوم، مقاله‌ی محمدجواد خزانلی (۱۳۹۶) با عنوان «تحلیل فقهی بودجه نویسی و برخی اصول حاکم بر آن» که در آن، ابتدا اصل بودجه نویسی و برنامه ریزی مالی حکومت با استناد به ادله‌ی نقلی (کتاب و سنت) و عقلی واکاوی شده و سپس برخی از اصول بودجه ریزی، مانند اصل سالانه بودن بودجه و تمرکز عایدات، از منظر فقهی بررسی شده است. با این حال، این مقاله نیز جنبه کاربردی در عرصه‌ای خاص نداشته و تنها کلیات بودجه ریزی را مطرح کرده است. اما تحقیق حاضر از این جهت که موضوع خاص بودجه بندی پژوهش را با رویکرد فقهی مورد بررسی قرار داده و به نوعی احکام شرعی برای شیوه‌ی بودجه



ریزی در یک عرصه خاص (پژوهش) بصورت استنباطی مطرح نموده است جنبه‌ی نوآوری دارد.

در ادامه پس از بیان روش تحقیق، به بیان وظایف کلی حکومت اسلامی پرداخته شده و سپس با اشاره به قواعد فقهی مرتبط با حکمرانی پژوهش، دلالت‌های این قواعد در اولویت بندی در تخصیص بودجه به موضوعات مختلف پژوهشی یعنی بایسته‌های حکومت در عرصه‌ی اولویت‌گذاری پژوهش و تولید علم از منظر فقه اسلامی، تبیین می‌گردد.

۳-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی، از حیث منبع تحقیق کتابخانه‌ای و از حیث روش اجتهادی می‌باشد. روش اجتهادی تلاش برای استنباط احکام از منابع اصلی تعالیم اسلامی یعنی قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام (و نیز عقل و اجماع) می‌باشد. در این روش با استفاده از دلالت‌های لفظی و غیر لفظی مقصود شارع از بیانات او استخراج شده و وظایف مکلفین نسبت به این مقصود مورد بررسی قرار می‌گیرد (رک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۳: ۵). در این مقاله پس از مباحث مقدماتی و تبیین وظایف کلی حکومت اسلامی، نوبت به جستجوی ادله و گزاره‌های مرتبط در منابع اصلی فقه (قرآن، سنت، عقل) نسبت به وظایف حکومت در مورد علم و پژوهش می‌رسد. در نهایت پس از تبیین هر یک از ادله، به دلالت‌های آن در عرصه‌ی انتخاب موضوع در بودجه بندی پژوهش اشاره می‌شود.

۲. بایسته‌های عمومی (وظایف کلی) حکومت اسلامی

وظایف کلی حکومت در پژوهش‌های متعددی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند (رک: رستمیان، ۱۳۷۹، کربلایی پازوکی، ۱۳۸۹، نوایی، ۱۳۷۸) و این مقاله در مقام اثبات آنها نیست اما قبل از بررسی وظایف حکومت در عرصه‌ی پژوهش شایسته است وظایف کلی حکومت به طور اجمالی همراه با اشاره به مستندات قرآن و روایی آن ذکر گردد.



۲-۱. برقراری عدالت

اساساً شاکله‌ی حکومت اسلامی برقراری عدالت و ستیز با ظلم و فساد در تمامی مظاهر آن و در تمامی مباحث اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی است (فلاح سلوکاتی، ۱۳۹۰: ۳۸۱). ارسال انبیای الهی گامی در جهت تحقق این امر بوده است؛ قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید «۵۷»، آیه ۲۵)؛ به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان را فرو فرستادیم تا مردم قسط (عدالت) را به‌پا دارند. امیرالمومنین (ع) نیز می‌فرماید: این (کفش پاره) در نظر من از حکومت بر شما محبوب‌تر است، مگر اینکه بتوانم حقّی را اقامه و باطلی را دفع کنم. (نهج البلاغه، خطبه ۳۳)

۲-۲. تعلیم و تربیت دینی

تعلیم و تربیت اساس بعثت انبیاء الهی به شمار می‌رود و قرآن کریم در این باره می‌فرماید: (خداوند متعال) رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را تزکیه نماید و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد. (جمعه، آیه ۲) ارتقای دانش و بینش جامعه و سوق دادن شهروندان به سمت دانش و بینش از حسّاس‌ترین و ظریف‌ترین وظایف حکومت دینی است (رک: اعرافی، ۱۳۹۹: ۸۷). این هدف آن‌قدر مهم است که امیرالمومنین (ع) به‌عنوان حقّی از مردم بر عهده حکومت می‌داند

۲-۳. اقامه دین و اجرای حدود الهی

امام علی (ع) در بیانی اقامه دین و حدود الهی را جزء وظایف و اهداف حکومت تبیین نموده است. (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۳۱)

۲-۴. عمران و آبادانی کشور

وظایف حکومت اسلامی در نامه به مالک اشتر از سوی امیرالمومنین (ع) این‌گونه اعلام شده است: «جَبَايَةِ خَزَائِجِهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا»



(نهج البلاغه، نامه ۵۳) ایشان یکی از محورهای اصلی وظیفه دولت اسلامی را عمران و آبادانی شهرها (وَعِمَارَةُ بِلَادِهَا) و بالطبع هزینه کردن آنها در موارد لازم تعیین فرموده است؛ (داودآبادی، ۱۳۹۸: ۶۵).

۵-۲. تأمین امنیت و مقابله با دشمن

تعبیر «جِهَادَ عَدُوِّهَا» که در روایت فوق آمده و دیگر تعبیر در تعالیم دینی اشاره به وظیفه‌ی تأمین امنیت و مقابله با دشمن در حکومت اسلامی دارد (کربلایی پازوکی، ۱۳۸۹: ۹۳).

۶-۲. گرفتن مالیات و مدیریت منابع مالی

تعبیر «جَبَايَةِ خَزَائِجِهَا» در حدیث فوق و نیز تعیین مأمور برای گرفتن مالیات توسط پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) به عنوان حاکمان جامعه‌ی اسلامی (رستمیان، ۱۳۷۹: ۷۹) و ... نشان از وجود چنین وظیفه‌ای برای حاکم اسلامی دارد. (رحمانی، ۱۳۷۸: ۱۱۲)

۳. قواعد فقهی کاربردی در بودجه ریزی پژوهش

چنان‌که بیان گردید تحقیق حاضر از روش اجتهادی برای بررسی موضوع حکمرانی پژوهش بهره می‌برد؛ بر اساس این روش، پس از مباحث مقدماتی و مراجعه به ادله‌ی احکام در منابع چهارگانه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) می‌توان موضوع فوق را از منظر قواعد فقهی همچون «اعانه‌ی بر نیکی» و «حفظ نظام» مورد بررسی قرار داد و به نتایج ذیل دست یافت:

۱-۳. قاعده‌ی اعانه بر برّ (کمک به نیکی)

قاعده‌ی کمک به نیکی از جمله قواعدی است که به دخالت مکلف در تکالیف دیگران مربوط می‌شود و براساس این قاعده مکلفان فراتر از تکلیف خویش نسبت به تکالیف دیگران نیز وظیفه دارند (اعرافی، ۱۳۹۵: ۲۵۷). برای شناخت هرچه بهتر این قاعده و استفاده از آن در موضوع مورد تحقیق، ابتدا تعریف مختصری از آن ارائه شده



و سپس ادله‌ی حجّیت این قاعده‌ی فقهی تبیین می‌گردد.

الف. تعاریف لغوی و اصطلاحی اعانه و برّ

۱. تعریف اعانه

اهل لغت «اعانه» را از کلمه‌ی «عون» و به معنای یاری کردن در انجام کاری یا کمک به کسی می‌دانند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۴۹۴). در نگاه فقها نیز منظور از برّ و نیکی، هر فعل حسن و خوبی است که از سوی یک فرد مسلمان سر می‌زند؛ چه واجب باشد مثل حج و چه مستحب مثل بنای مسجد، چاپ کتاب دینی و نشر آن و ... (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۳۶۲). بنابراین مراد از اعانه‌ی برّ و نیکی، یاری کردن دیگران (و زمینه‌سازی) برای انجام کارهای خوب و نیکی‌هاست.

۲. تعریف لغوی «برّ»

اهل لغت برای واژه‌ی برّ تعاریف متعدّدی بیان کرده‌اند از قبیل «صدق و راستی» (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۸: ۲۵۹) «عمل خالص» (ابن فارس ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۷۷)، «عطوفت و احسان» (جزری، ۱۳۶۷ ج ۱: ۱۱۶)، و «خیر» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۳). در این معانی معنای خیر از سایر معانی عام‌تر بوده و سایر معانی می‌توانند ذیل آن قرار گیرند. با مراجعه به کلمات فقها می‌توان به دست آورد که فقها برّ را به دو معنای «اطاعت» و «احسان» گرفته‌اند؛ همانطور که میرزای قمی تصریح به معنای دوم می‌کند و چنین می‌نویسد: «و لأنّ فيه إعانة على البرّ و نظاما لأُمور المسلمين...» (میرزای قمی، ۱۴۲۸، ج ۲: ۷۹۳). دیلمی نیز به معنای نخست اشاره دارد و چنین می‌آورد: «والواقف لا يخلو أن يعين من وقف عليه، أو لا يعين. فإن عين أمضى ما عين عليه. وإن لم يعين وقال: «على وجوه البرّ كان للفقراء والمساكين ومصالح المسلمين» (الديلمی، ۱۴۰۴ ج ۱: ۲۰۱).

ب. ادله‌ی حجّیت قاعده‌ی اعانه‌ی برّ

فقها برای حجّیت این قاعده از ادله‌ی متعدّد عقلی و نقلی بهره جسته‌اند که در ادامه به اختصار بیان می‌گردد:

۱. عقل

همچنانکه فراهم آوردن مقدمات عصبان و گناه دیگران، کاری قبیح است، فراهم



آوردن مقدمات اطاعت و فرمان‌بری از مولا یا ترک نافرمانی او برای دیگران نیز حسن است و عقلاً آن را تحسین می‌کند؛ لذا هرچند ابتدائاً تکلیفی متوجه شخص خاصی است، ولی به حکم عقل کمک و یاری او برای اطاعت و انقیاد اوامر و نواهی مولی ارزش و جهت حسن دارد؛ زیرا به تأمین مصالح یا ترک مفاسد کمک می‌کند. از سوی دیگر بنابر قاعده‌ی «کُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» هرچه به حکم عقل حسن باشد، از جهت شرع نیز رجحان دارد؛ با حکم عقل به حسن تهیه‌ی مقدمات اطاعت ترک معصیت (اعانه بر پر و تقوا) و به تبع، رجحان شرعی آن اثبات می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۳، ج: ۱، ۲۷۳).

۲. قرآن کریم

بسیاری از فقها برای اثبات این قاعده به این آیه‌ی شریفه استدلال کرده‌اند: «تَعَاوُنًا عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوُنًا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مانده: آیه ۳)؛ بر انجام گناه و تجاوز، کمک و همکاری نکنید. این آیه هرچند در سیاق آیات جهاد نازل شده، اما مشهور فقها عموم لفظی آن را پذیرفته‌اند. علامه طباطبایی درباره‌ی معنای آیه می‌نویسد: «معنای تعاون بر نیکی و تقوا آن است که مردم بر ایمان و عمل صالح بر پایه تقوای الهی مجتمع گردند (همه به یکدیگر کمک کنند تا در جامعه ایمان و عمل صالح گسترده شود) و آن عبارت است از صلاح و تقوای اجتماعی و در برابر این مسئله، تعاون بر گناه (عمل بد) قرار دارد که خیر در امور خوشبختی زندگی را در پی می‌آورد و تعاون بر تجاوز که عبارت است از تجاوز به حقوق حقّه‌ی مردم از طریق از بین بردن امنیت جانی یا آبرویی یا مالی...» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج: ۵، ۱۶۳).

۳. روایات

برای حجّیت این قاعده می‌توان به روایات متعدّدی تمسّک جست که از جمله آن‌ها می‌توان به دو روایت ذیل اشاره کرد:

۱. «علي بن ابراهيم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن الحسين بن عثمان عن رجل عن ابي عبد الله عليه السلام: ايّما مؤمن نفّس عن مؤمن كربة و هو معسر يسّر الله له حوائجه في الدنيا والاخرة... والله في عون المومن ما كان المومن في عون اخيه.» امام صادق عليه السلام می‌فرماید: هر مومنی اندوه مومن دیگری را که در تنگنا قرار گرفته باشد،



برطرف کند، خداوند نیازهای او را در دنیا و آخرت به آسانی برآورده می سازد ... و تا زمانی که مومن در حال یاری برادر مومنش باشد، خداوند حامی و یاور اوست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۰۰).

این روایت در کتاب شریف کافی و چند منبع حدیثی مشهور دیگر (همچون وسائل الشیعه، بحارالانوار، اعلام الدین و...) نقل شده است. در سلسله سند این حدیث، نام «ابن ابی عمیر» به چشم می خورد که از «اصحاب اجماع» به شمار می رود. بر اساس مبنای رجالی پذیرفته شده در این پژوهش که مستند به دیدگاه بسیاری از فقهاست (اردبیلی، جامع الرواة، ج ۲، ص ۵۰-۵۶)، مراسیل اصحاب اجماع، هم سنگ مسانید دیگر راویان اعتبار دارد؛ حتی اگر روایت آن ها به صورت مرسل باشد و در نقل آن منفرد باشند. از این رو، سند این حدیث معتبر و قابل استناد است.

۲. «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن فضال عن حفص المؤذن عن ابی عبد الله علیه السلام وعن محمد بن اسماعیل بن بزیع عن محمد بن سنان عن اسماعیل بن جابر عن ابی عبد الله علیه السلام: عن ابی عبد الله الی اصحابه: ... و لیعن بعضکم بعضاً فإنّ أبانا رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم کان یقول: إنّ معونة المسلم خیر و أعظم أجراً من صیام شهر و اعتکافه فی المسجد الحرام»؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: باید بعضی از شما بعضی دیگر را یاری کند. جد ما پیامبر خدا مکرراً می فرمودند: اجر یاری کردن مسلمان از روزه و اعتکاف یک ماه در مسجد الحرام بهتر و بزرگ تر است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۹).

این روایت در کتاب شریف کافی با دو سند نقل شده که در سند نخست، تمامی روات (علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن فضال و حفص المؤذن) معتبر هستند بنابراین سند حدیث قابل قبول است.

دلالت روایات: هر دو روایت بر رجحان یاری مومن بطور عام دلالت داشته ولی به قرینه ی کلمه مؤمن در روایت می توانند اشاره ای به امور نیک و خیر داشته باشد هر چند دلالت آنها بر اعانه ی بر بر تام نیست.

به طور کلی از مجموع ادله ی عقلی و نقلی، قاعده ی اعانه بر بر اثبات می شود (اعرافی، ۱۳۹۵: ۲۸۸). به بیان دیگر از آیات و روایات مذکور چنین استنباط می شود



که اعانه‌ی بر بَرّ مورد تأکید شارع می‌باشد به طوری که از اعانه‌ی مومن، به اعانه‌ی خداوند تعبیر شده است. از آنجائی که اعانه در روایات به صورت مطلق آمده است هم اعانه در امور دنیوی و هم اعانه در امور اخروی را در بر می‌گیرد و منظور از آن در روایات، معنای لغوی آن است که هم شامل مشارکت مستقیم در انجام بَرّ و هم تهیه‌ی مقدمات آن می‌شود.

مطلب دیگر درباره‌ی آیهِ شریفه، دلالت آن بر وجوب یا استحباب است؛ آیهِ شریفه به تعاون بر بَرّ و تقوا امر می‌کند؛ لذا بر وجوب یا استحباب آن‌ها دلالت می‌کند. البته ظهور اولیه‌ی فعل امر «تعاونوا» در وجوب است؛ ولی این ظهور با اطلاق متعلّق آن (البَرّ و التقوی) نشان می‌دهد که علاوه بر واجبات، شامل مستحبات نیز می‌شود.

ج. معنا و مصداق «بَرّ» در فقه حکومتی و نظام ساز

این قاعده اصالتاً برای تنظیم روابط مکلفین حقیقی و تکالیف استقلالیّ احاد جامعه در یاری رساندن به کارهای نیک وضع شده است. تسرّی چنین قاعده‌ای به ساحت سیاست‌گذاری و بودجه‌ریزی ملّی، نیازمند توجه به ماهیت ساختاری حاکمیت است.

بودجه‌ریزی دولتی، صرفاً «کمک مادی به یک کار خیر» نیست، بلکه فرایند پیچیده‌ی تخصیص منابع محدود در برابر نیازهای نامحدود و هندسه‌ی تزامن مصالح (رک: انصاری، ۱۳۸۷: ۲۰) است. لذا صرف اثبات اینکه پژوهشی در نگاه فردی مصداق «بَرّ» (هر امر نیکی اعم از واجب یا مستحب) است، مجوزی برای تخصیص بودجه حاکمیتی به آن در مقام تزامن با دیگر اولویت‌های نظام یا وظایف اصلی حاکم اسلامی (مانند امنیت، آبادانی و تعلیم و تربیت) نمی‌شود و بلکه مصداق «بَرّ» در نگاه حکومتی تطابق با وظایف حاکم، مصالح نظام و اولویت‌های آن است.

به‌طور کلی می‌توان بر اساس روایتی که تأکید بر پرداختن به اولویت‌ها و ترک موضوعات غیر مهم دارد گفت: هرآنچه در راستای اولویت‌های نظام نباشد هزینه کردن برای آن در نگاه حکومتی اصلاً مصداق «بَرّ» محسوب نمی‌شود. طبیعتاً مصلحت حکومت بر این است تخصیص منابع مالی حکومتی در صورت تزامن



میان اَهم و مهم، باید اَهم را برگزید و از مهم صرف نظر کرد (رک: علیدوست، ۱۳۸۸: ۲۱). بنابراین در گذار از معنا و مصداق «بَرّ» در فقه فردی به معنای آن در فقه حکومتی و نظام ساز توجه به وظایف حاکم اسلامی و مصالح جامعه و اولویت بندی آنها بسیار مهم است. و جایگاه حاکم اسلامی در بودجه ریزی، ایفای نقش در رفع تراحمات و تشخیص قانون ترجیح به اهمیت و مصلحت اَهم بر اساس نظام ارزش گذاری و اولویت بخشی فقه اسلامی است. (قاسمی قلعه بهمن، ۱۴۰۱: ۴۷)

در فقه نظام ساز، ملاکِ تصرّف حاکم اسلامی در بیت المال، «دوران امر بین حق و باطل یا خیر و شر» نیست، بلکه منوط به احراز «مصلحت عامه» (جلب منفعت یا دفع مفسده از جامعه اسلامی) است. بودجه ریزی پژوهش، از باب إعانه بر بَرّ، به معنای تقدّم مصلحتِ پایدار علمی بر مصالح مقطعی دیگر است. با این وصف تطبیق قاعده‌ی اعانه بر نیکی با بودجه ریزی پژوهش در نگاه حکومتی تقریری ویژه دارد که در ادامه به آن پرداخته می شود.

د. تطبیق قاعده‌ی اعانه‌ی بر نیکی با بودجه ریزی پژوهش

فقه‌ها مصادیق مختلفی برای قاعده‌ی «تعاون علی البرّ» ذکر کرده‌اند؛ از جمله این مصادیق می‌تواند عرصه‌ی علم و پژوهش باشد که در ذیل به دو نمونه آن اشاره می‌گردد:

۱. پژوهش در علوم فنی و مهندسی مرتبط با عمران و آبادانی کشور

با توجه به آنچه در بخش وظایف عمومی حکومت اسلامی ذکر شد آبادانی کشور از وظایف حکومت اسلامی بوده و مصداق عمل نیک محسوب می‌گردد و آموزش علوم فنی و مهندسی در دانشگاه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت و آبادانی جامعه باشد؛ لذا می‌توان پژوهش برای تولید این علوم را نمونه‌ای از اعانه‌ی بر نیکی شمرده و مطلوب شارع دانست. به عنوان مثال می‌توان مقوله‌ی کشاورزی در جامعه‌ی اسلامی را مطرح نمود. با مراجعه به سیره‌ی معصومین (علیهم السلام) و کلمات فقهاء همچون آیت الله حکیم در مستمسک عروة الوثقی (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۸) و آیت الله خویی در مبانی العروة (خویی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۸۰) چنین استفاده می‌شود



که کشاورزی از مصادیق «برّ و تقوی» و محبوب نزد شارع است و پژوهش‌های تخصصی که به تولید روش‌ها و فناوری‌های نوین در حوزه‌هایی همچون کشاورزی، مهندسی، فناوری نانو و... می‌انجامند، مقدمه و زمینه‌ساز موفقیت و پیشرفت مادی کشور محسوب می‌شوند. از آنجاکه تأمین مقدمات یک امر نیک، خود مصداقی از یاری‌رساندن در کارهای پسندیده است؛ بنابراین، پژوهش می‌تواند تمهیدی برای عمران و آبادانی کشور به شمار آمده و مصداق روشنی از «اعانه بر برّ» باشد.

نکته‌ی مهمّی که در این سیاست پژوهشی و دیگر سیاست‌هایی که در ادامه از ادله استخراج می‌گردد باید مورد توجه قرار گیرد این است که مطلوب بودن پژوهش در جهت ارتقاء آبادانی و عمران کشور در حکمرانی پژوهش به معنای تصدّی دولت در همه‌ی عرصه‌های آن نیست بلکه صرف حمایت مطرح بوده و در تعیین میزان تصدّی و حمایت دولت از علوم مختلف می‌توان به ملاک‌هایی مثل میزان تصدّی بخش خصوصی در آن عرصه اشاره نمود.

۲. پژوهش در مدیریت امور حسبه

حسبه اسم مصدر از ریشه «حسب» به معنای شمارش کردن می‌باشد؛ همانطور که ابن اثیر در نهایت می‌نویسد یکی از معانی آن قیام کردن به انواع کارهای خیر برای رسیدن به ثواب می‌باشد (جزری، ۱۳۶۷، ج: ۱، ۳۸۲). سید محمد آل بحر العلوم در بلغة الفقیه، چنین در معنای «حسبه» می‌نویسد: «فی ولاية الحسبة التي هي بمعنى القربة المقصود منها القرب بما الى الله تعالى و موردها كل معروف علم ارادة وجوده فی الخارج شرعا من غیر موجد معین»؛ مورد حسبه به هر کار نیکی است که می‌دانیم شرعاً وجود آن در خارج خواسته شده است بدون اینکه انجام دهنده ویژه‌ای داشته باشد (بحر العلوم، ۱۴۰۳: ۹۲۰).

درباره‌ی گستره‌ی امور حسبه دو نگاه در کلمات فقها وجود دارد: برخی دایره‌ی امور حسبه را مضیق در اموری که در شریعت، متصدّی خاص یا عامی برای آن تعیین نشده است می‌دانند (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۱۱)، و برخی دایره‌ی آن را گسترده‌تر از امور فوق می‌دانند. بر همین اساس فقیهان پرداختن به امور حسبه در زمان غیبت را توسّط فقها و عدول مومنین و برآوردن نیازهای ضروری افراد بی‌سرپرست، یتیمان و رسیدگی



و تصرف در اموال و وصایای ایشان بنابر مصلحت ایشان را با استناد به قاعده‌ی تعاون بر برّ واجب دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۳۶). بنابراین تدوین متون برای آموزش‌های تخصصی مربوط به امور حسبه مثل مدیریت موقوفات، رسیدگی به امور افراد بی‌سرپرست و ... و نیز پژوهش در زمینه‌ی حلّ مسائل مرتبط با امور حسبه در نظام اداری کشور زمینه‌ساز اقامه‌ی برّ و نیکی در جامعه بوده و مصداق این قاعده خواهد بود.

۳. پژوهش در علوم اسلامی به ویژه علوم انسانی اسلامی

رشد علمی و نظریه‌پردازی در مسائل علوم انسانی به ویژه در علومی همچون اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و ... لازمه‌ی پیشرفت مادی و استقلال فکری و فرهنگی است. همه‌ی حرکت‌های سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و امثال آن محکوم نظریه‌پردازی‌های اندیشمندان علوم انسانی است. با تکیه بر داده‌های علوم انسانی است که اهداف و الگوهای پیشرفت در هر جامعه‌ای ترسیم می‌شود. نکته‌ی دیگری که اهمیت و ضرورت توجه ویژه‌تر به علوم انسانی را نشان می‌دهد، این است که نسبت علوم انسانی به علوم طبیعی و تجربی و علوم پایه مثل نسبت روح به جسم است.

علوم انسانی است که جهت سایر علوم را مشخص می‌کند و تحلیل، کنترل و هدایت همه کنش‌های بشری اعم از کنش‌های علمی و عملی را بر عهده دارد. هر گونه انحرافی در این علوم موجب کجروی در همه‌ی زمینه‌ها خواهد شد (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۳۷). از طرفی طبق فرمایش مقام معظم رهبری «این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این‌ها رایج شد، مدیران بر اساس آن‌ها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیبه و غیره قرار می‌گیرند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۹). با این وصف، پژوهش در علوم انسانی اسلامی با دو استدلال از منظر فقه اسلامی مطلوب است:



الف. تولید علم، مقدمه‌ی عمل به علم

دلیل اعانه‌ی بر نیکی این‌گونه قابل طرح است که تولید علوم انسانی اسلامی یعنی شناخت دین و شناخت دین، مقدمه‌ی عمل به آن است (چون عده‌ای از افراد به علت اینکه از تعالیم اسلام در حوزه‌های اقتصادی و تربیتی اطلاع ندارند به این تعالیم عمل نمی‌کنند). و تولید علوم انسانی اسلامی اعانه و زمینه‌سازی برای عمل به دین بوده که خود مصداق برّ و تقوی می‌باشد.

در تبیین بیشتر این موضوع باید گفت که محتوای بخش‌هایی از علوم انسانی، به‌ویژه دانش‌های مرتبط با حکمرانی همچون اقتصاد و مدیریت، کاملاً از متون دینی قابل اصطیاد است. این آموزه‌ها پس از تأیید مراجع ذیصلاح، می‌توانند به‌عنوان برنامه و دستورالعمل اجرایی در عرصه‌های مختلف اداری کشور به کار گرفته شوند. چنین رویکردی، مصداق یاری‌رساندن به مدیران نظام در اجرای دستورات اسلام در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و نظایر آن است.

به‌عنوان نمونه، می‌توان به استخراج تعالیم اقتصادی اسلام در زمینه بانکداری بدون ربا اشاره کرد. در همین راستا، فقها بر این باورند که نه‌تنها ماهیت بانکداری خلاف شرع نیست، بلکه اجرای شیوه‌ی صحیح و اسلامی آن، از ضروریات و واجبات زندگی در جوامع امروزی به شمار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۱). بدین معنا که تولید علم اقتصاد اسلامی و تدوین روش‌های بانکداری اسلامی، زمینه‌ساز اجرای این احکام و اصلاح نظام بانکی (به‌عنوان فعلی نیک و مبتنی بر تقوا) خواهد بود و می‌تواند مصداق روشنی از قاعده‌ی «اعانه بر برّ» باشد.

ب. تولید علم اسلامی، مقدمه‌ی تعلیم و تبلیغ دین

به‌طور کلی تبلیغ و تعلیم معارف اسلامی (اعم از تعالیم عمومی دین و نیز تعالیم تخصصی دین در عرصه‌ی علوم انسانی و ...) توسط شارع مقدس (به عنوان قاعده و جوب تبلیغ و ارشاد دینی) توصیه شده (رک: اعرافی، ۱۳۹۹: ۱۳۵) و همانطور که ذکر شد از وظایف حکومت شمرده می‌شود. فقها نیز به استناد به قاعده‌ی اعانه بر نیکی به وجوب تبلیغ و ارشاد دینی حکم نموده‌اند (رک: انصاری شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص: ۳۲۳) و با استناد به این قاعده‌ی فقهی بر ساختن مسجد، چاپ و نشر کتاب دینی و تلاش



برای تهذیب نفوس تاکید فرموده اند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص: ۳۶۲ و انصاری شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۲۷) بنابراین تعلیم علوم انسانی اسلامی در دانشگاه ها و ... مصداق نیکی و تقوا بوده و تولید محتوا برای چنین دروسی می تواند نمونه ی بارز اعانه ی بر فعل نیک باشد.

۲-۳. قاعده ی وجوب حفظ نظام

در گذشته، زندگی انسان ساده و بسیط بود و نیازی به نظامات گوناگون نداشت؛ اما در روزگار ما، به دلیل پیشرفت علم و صنعت و افزایش جمعیت، انسان به نظام های متعددی همچون نظام های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیازمند است. ازاین رو، فقها به مقوله ی «نظام» و صیانت از آن توجه ویژه ای داشته اند. واژه ی نظام از ریشه «نظم» است که اهل لغت آن را به معنای نظم دادن، آراستن، به رشته کشیدن، رویه، عادت و روش دانسته اند؛ همانطور که ابن منظور تصریح می کند: نظام به معنای تألیف، تجمیع و قرین کردن چیزی به چیز دیگر است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ۵۷۹). شریعتی نیز در تعریف اصطلاحی نظام چنین می آورد: «آراستگی درونی جامعه و نهادهای آن از هرج و مرج است که ایجاد ارتباط معقول و منطقی را میان ساختارهای حکومت مدّ نظر دارد و محیط جامعه را برای اجرای احکام الهی آماده می کند و نقطه ی ثقل آن ساماندهی نظام معیشت جامعه است» (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲). با مراجعه به کلام فقهاء می توان معانی مختلفی برای حفظ نظام در نظر گرفت که به صورت اختصار به برخی از این معانی اشاره می شود:

الف. تعاریف مختلف حفظ نظام

۱. حفظ معیشت جامعه ی مسلمین

یکی از معانی بیان شده از سوی فقها برای حفظ نظام، حفظ معیشت جامعه ی مسلمین می باشد؛ همانطور که مرحوم انصاری تأکید می کند: «مقصود از حفظ نظام، نظام معیشتی جامعه است و اسلام نیز برای این نظام اهمیت و ارزش زیادی قائل شده به اندازه ای که آنچه را نظام معیشت جامعه بدان نیازمند است واجب کفایی می داند» (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۴۷).



۲. حفظ اجتماع مسلمین

یکی دیگر از معانی حفظ نظام که اندیشمندان بیان کرده‌اند حفظ اجتماع مسلمین است؛ چنانکه امام خمینی (ره) بیان می‌کند: «بدین ترتیب در صورتی که مفهوم نظام، در قاعده‌ی حفظ نظام را نظام کلان اجتماعی تعریف کنیم، معنای این قاعده تلاش در جهت حفظ نظم، امنیت و مصالح جامعه و پرهیز از ایجاد خلل در آن خواهد بود. این معنا از حفظ نظام، بیشترین کاربرد را در ادبیات فقهی شیعه به خود اختصاص داده است» (خمینی، ۱۴۲۳: ۲۵). یکی دیگر از اندیشندان معاصر نیز در این باره چنین می‌آورد: «منظور از نظام اجتماعی اموری است که قوام جامعه و مردم به آن وابسته و موکول است، به گونه‌ای که اگر اختلال در نظام اجتماعی رخ دهد، زندگی اجتماعی مختل شود و معیشت با خطر مواجه خواهد شد» (پیشه‌فر، ۱۳۸۹).

۳. حفظ حکومت موجود

از معانی دیگر حفظ نظام حفظ حکومت یا رژیم سیاسی موجود است؛ «منظور از حکومت عبارت است از ابزار اجرای حاکمیت، شامل قوای مختلف مقننه، مجریه و قضائیه و دستگاه‌های دولتی یا وابسته به دولت که اجرای یکی از شئون حاکمیت را بر عهده دارند.» (ملک افضلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

۴. حفظ کیان اسلام (بیضه اسلام)

یکی دیگر از معانی که برای حفظ نظام از سوی فقهای شیعه بیان شده، حفظ کیان اسلام است؛ همانطور که امام خمینی (ره) بر آن تاکید می‌کند: «حفظ نظام، حفظ کیان و موجودیت اسلام است که در کلام فقها به «بیضه الاسلام» تعبیر شده است» (خمینی، بی‌تا، ج: ۱، ۴۸۵). طبق نظر فقها آنچه سبب از هم پاشیدگی هر یک از این نظام‌ها (هر یک متناسب با تعریف خودش) یا ضربه به آنها و اختلال در آنها شود، جایز نیست و حفظ این نظام‌ها واجب است. به عبارت دیگر، همان‌طور که اختلال در آنها جایز نیست، حفظ آنها واجب است و هر عملی که سبب حفاظت از آنها شود، انجامش واجب است (بهیانی، ۱۴۱۷: ۱۵۹-۱۶۰). بدین ترتیب می‌توان گفت منظور از حفظ نظام، انجام هر عملی است که یک‌دستی، هماهنگی و پیوستگی یک جمعیت نظام‌مند را از میان نبرد و گسست و بی‌نظمی و پراکندگی به وجود نیاورد.



حال این پراکندگی و از هم گسیختگی می تواند در اصل نظام اسلام، نظام اجتماعی و معیشت جامعه و یا نظام و حکومت حاکم به وجود آید (جمالزاده، ۱۳۹۶: ۸).
از معانی فوق آنچه مدّ نظر است معنای حفظ اجتماع مسلمین و حفظ حکومت اسلامی موجود بوده ولی می توان گفت حفظ کیان اسلام نیز در مواردی وابسته به همین دو معنای مذکور است.

ب. تطبیق قاعده‌ی حفظ نظام بر بودجه ریزی پژوهشی

۱. تولید دانش تخصصی و فناوری برای مشاغل مورد نیاز جامعه

یکی از نمونه‌هایی که به قاعده‌ی وجوب حفظ نظام بر آن نظام استدلال شده، وجوب کفایی شغل‌ها و صنعت‌هایی است که جامعه بدان‌ها نیاز دارد (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۴؛ خویی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۷). طبق فتوای فقها در مکاسب، به عهده گرفتن و انجام این امور، واجب کفایی است و دلیل آن وجوب حفظ نظام بوده و اختلال در آنها حرام است (انصاری، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۳۹). از آنجا که به اقتضای قاعده‌ی وجوب حفظ نظام در جامعه‌ی الهی، بر مکلفین واجب است تمام اقدامات لازم (بی‌واسطه یا باواسطه) برای حفظ نظام را انجام دهند (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۰۲). تولید دانش تخصصی برای ارتقاء این مشاغل (جهت حفظ و تقویت نظام اسلامی به عنوان یک امر واجب یا یک فعل نیک)، نیز می‌تواند به عنوان مقدمه‌ی واجب یا به عنوان اعانه‌ی بر نیکی مشمول حکم وجوب گردد. تولید دانش برای دستیابی به همه‌ی اهداف نظام از جمله عدالت، اقامه دین، تربیت دینی و ... می‌تواند مورد نظر در این سیاست باشد.

۲. پژوهش‌های مفید در راستای حفظ استقلال و خودکفایی کشور

موضوع حفظ استقلال و خودکفایی کشور از سیاست‌های کلی نظام اسلامی بوده و به‌طور جداگانه ذیل قاعده‌ی نفی سبیل در تحقیقات مرتبط با فقه حکومتی و فقه سیاسی (رک: شریعتی، روح الله، ۱۳۷۸) و نیز فقه آموزش عالی (رک: داودآبادی، محسن، ۱۳۹۹) به‌طور تفصیلی به آن پرداخته شده است که مجال بحث آن در این مقاله وجود ندارد. اما در اینجا به می‌توان گفت بدون تردید، یکی از نتایج و آثار مهم و اساسی حفظ نظام به هر یک از مفاهیم، لزوم «حفظ حاکمیت» از هر دو جنبه‌ی آن (داخلی و خارجی) است. بدین معنا که واجب است نظام کشور در همه‌ی سطوح آن، حفظ



شود؛ از حیث داخلی، خودمختاری دولت در ایفای وظایفش و از حیث خارجی (بین‌المللی)، استقلال کشور در برابر سایر کشورها به ویژه دولت‌های متخاصم را به ارمغان خواهد آورد (ملک‌افضلی، ۱۳۹۱: ۱۳۱). بنابراین نظام مدیریت تولید علم باید به‌گونه‌ای تدوین شود که هدف آن قطع دست بیگانگان از برنامه‌های درسی بوده و کشور را از حیث تولید علم‌های تخصصی و دانش‌های مورد نیاز جامعه از کفّار بی‌نیاز نماید.

نکته‌ی حائز اهمیت این است که استفاده از علوم غیربومی هر چند لازم بوده و ظاهراً مزیت‌هایی مثل صرفه‌جویی در وقت و هزینه دارد، اما دو آسیب جدی نیز دارد: اول اینکه غیربومی بودن برخی از علوم به علّت عدم تطابق با نیازها و شرایط خاص اجتماعی و منطقه‌ای ما ناکارآمد بوده و مشکلات ما را مرتفع نمی‌نماید. دوم اینکه استفاده از دانش بیگانگان (غیر بومی) به‌طور خودکار و نامحسوس باعث وابستگی ما به بیگانگان می‌گردد. بنابراین تولید علوم بومی برای حلّ مشکلات جامعه و رشد آن ضروری می‌نماید. براساس قاعده‌ی حفظ نظام، اتخاذ هر تصمیمی در نظام برنامه‌ریزی تولید علم که اقتضای آن ایجاد وابستگی به علم‌وفناوری کفار باشد، جایز نبوده و اجرای آن نیز توسط مدیران (و مسئولین دولتی مرتبط) از لحاظ شرعی مجوّزی ندارد. همچنین سیاست‌گذاری پژوهش باید به‌گونه‌ای باشد که در زمینه‌ی تولید دانش‌های بومی و نیز ایجاد استقلال فکری در دانشجویان بتواند در کوتاه‌ترین زمان جامعه‌ی اسلامی را از کفّار و بیگانگان بی‌نیاز نماید.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- در جمع‌بندی به عنوان یافته‌های پژوهش می‌توان به چند نکته اساسی اشاره کرد:
۱. وظایف کلّی حکومت اسلامی شامل اجرای عدالت، تعلیم و تربیت دینی، اقامه‌ی دین و اجرای حدود الهی، عمران و آبادانی کشور، تأمین امنیت و مقابله با دشمن، گرفتن مالیات و مدیریت منابع مالی و ... می‌شود.
 ۲. قاعده‌ی حفظ نظام و تعاون بر برّ از جمله قواعد فقهی کاربردی در حکمرانی و بودجه‌بندی پژوهش به شمار می‌آیند.



۳. برای آنکه بتوان قاعده‌ی تعاون بر برّ را از پارادایم فقه خرد خارج کرده و به ساحت فقه نظام‌ساز پیوند زد، لازم است از عنوان «برّ» در فقه فردی که هر امر خیر و نیکی (اعم از واجب یا مستحب) را شامل می‌شود به سمت عنوان «برّ» در فقه حکومتی یا نظام ساز که همان تطابق با «وظایف حاکم، اولویت‌ها و مصلحت عامه» است حرکت نمود.

۴. دولت و به‌خصوص آموزش عالی در راستای حکمرانی پژوهش با رویکرد اسلامی باید موضوعات زیر را به عنوان اولویت‌های موضوعی در بودجه ریزی در پژوهش (جهت تصدّی یا حمایت) مدّ نظر قرار دهد:

الف. پژوهش در علوم تخصّصی مربوط به آبادی کشور که رفاه مادّی و عمران کشور را در بر می‌گیرد.

ب. تولید علوم اسلامی به ویژه علوم انسانی اسلامی

ج. پژوهش در مدیریت امور حسبه و شیوه‌های بهبود انجام این امور

د. حمایت از تولید علوم کاربردی در حفظ نظام و رفع نیازهای جامعه‌ی مسلمین (رفع نیازهای مسلمین شامل همه‌ی نیازها اعم از مادی، علمی، امنیت و ... می‌شود).

هـ. پژوهش‌های مفید در راستای حفظ استقلال و خودکفایی کشور (منظور از حفظ استقلال هم استقلال سیاسی است هم استقلال فکری)

۵. در پایان پیشنهاد می‌شود نسبت به نقش و وظایف آموزش عالی در تولید علوم مختلف (اعم از علوم مهندسی، تجربی و ...) و نحوه‌ی اولویت بندی و تخصیص بودجه برای آنها در نظام تولید علم کشور، تحقیقات علمی به‌صورت تفصیلی و تخصّصی صورت پذیرد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابراهیمی، جواد و طرقي اردكاني مجيد، (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی یاری رسانی به دیگران برای نیکی به تقوایشگی»، نشریه مطالعات فقه تربیتی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵۷ - ۸۲.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، النهایة، قم، اسماعیلیان.
۳. ابن فارس، احمد و عبدالسلام محمد هارون، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر.
۵. اردبیلی (محقق)، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، جامع الرواة، بیروت، دارالاضواء.
۶. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۹)، وظایف حکومت در تربیت، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
۷. _____، (۱۳۹۵)، قواعد فقهی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
۸. _____، (۱۳۹۳)، فقه تربیتی، ج ۱، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
۹. انصاری، حمید . (۱۳۸۷)، مبانی فقهی دیدگاه امام خمینی در اعتبار ملاک مصلحت در فقه سیاسی اسلام و ضرورت تدوین فقه المصلحة. پژوهشنامه ی متین، ۱۰(۳۸)، ۱-۳۶.
۱۰. انصاری (شیخ اعظم)، مرتضی، (۱۴۱۱ق)، المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات، قم، منشورات دارالذخائر.
۱۱. آمدی، عبدالواحد بن تمیمی، (۱۳۷۳)، غررالحکم و دررالکلم، شرح محمد خوانساری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. بحر العلوم، سید محمد، (۱۴۰۳ق)، بلغة الفقیه، تهران، مکتبة الصادق(ع).
۱۳. بهروز، امیرحسام، پورعزت، علی اصغر، دژپسند، فرهاد و امیری، مجتبی . (۱۳۹۸). آسیب شناسی بودجه بندی پژوهش و فناوری در ایران با استفاده از روش فراترکیب. مدیریت نوآوری، ۸(۴)، ۸۵-۱۲۲.
۱۴. جزری، ابن اثیر. (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث. بیروت، المکتبة العلمیة.
۱۵. جمال زاده، ناصر و باباخانی، مجتبی، (۱۳۹۶)، «کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه ی فقهی سیاسی امام خمینی (ره)»، دوفصلنامه ی دانش سیاسی، دوره ی ۱۳ شماره ۱، بهار و تابستان.
۱۶. جوادی، مجتبی و امامی، سید مجتبی. (۱۴۰۰). حکمرانی پژوهش: ماهیت، گستره و ابزارها. مدیریت دولتی، ۱۳(۲)، صص ۲۳۳-۲۷۶.
۱۷. جوادی، مجتبی و دانایی فرد، حسن، (۱۳۹۷)، «شناسایی و آسیب شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران»، نشریه ی راهبرد، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۸۷ صص ۶۱ تا ۸۶.
۱۸. حکیم، سیدمحسن طباطبایی، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم، موسسه ی دارالتفسیر، چاپ اول.
۱۹. خالدی، آرمان، عبداللّهی نسب، علی و رسولیان، پریرسا. (۱۴۰۳). آسیب شناسی نظام بودجه ریزی و هزینه کرد اعتبارات دولتی پژوهش. مدیریت توسعه فناوری، شماره ی ۱۲(۲)، صص ۷۲-۱۰۱.



۲۰. خزانلی، محمد جواد. (۱۳۹۶). تحلیل فقهی بودجه نویسی و برخی اصول حاکم بر آن. دو فصلنامه‌ی شهر قانون، ۱۹(۱)، ۱۶۱-۱۴۳.
۲۱. خزلی، صدیقه و محمدی پور، رحمت الله. (۱۳۹۷). بودجه ریزی پژوهشی و تبیین تأثیر آن بر بهره‌وری فعالیت‌های تحقیقاتی و بررسی راهکارهای اصلاحی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره‌ی ۷(۲۷) صص ۲۰۵-۲۱۶.
۲۲. خمینی، سیدروح الله، (۱۴۲۳ق)، ولایت فقیه، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۳. _____، بی تا، تحریرالوسیلة، قم، دارالعلم.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۰۹ق)، مبانی العروة الوثقی، قم، منشورات مدرسه دارالعلم.
۲۵. داودآبادی، محسن و بهرامی، حسین، (۱۳۹۹)، «بایسته‌های حکومت اسلامی در سیاست‌گذاری آموزش (تعلیم و تعلم)»، نشریه‌ی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره‌ی ۸، شماره ۱۴ بهار و تابستان ۱۳۹۹ صص ۸۶-۱۰۵.
۲۶. _____، (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر قاعده فقهی اعانة علی البر و موارد کاربرد آن در عرصه‌ی حکومت»، پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی، دوره ۲، شماره ۳ پاییز و زمستان، صص ۳۷-۵۸.
۲۷. _____، (۱۳۹۹)، الگوی آموزش عالی در فقه تربیتی، پایان نامه دکتری فقه تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه (ص).
۲۸. _____، موسوی فر، سید محمد تقی و فرحدل، سجاد. (۱۴۰۳). اهداف و کارکردهای دانشگاه اسلامی از منظر فقه اسلامی. مطالعات فقه تربیتی، ۱۱(۲۱)، صص ۸۷-۱۱۰.
۲۹. داوری اردکانی، رضا، (۱۳۹۲)، علم، پژوهش و سیاست‌های پژوهشی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۰. الدیلمی، الشیخ ابی یعلی، (۱۴۰۴ق)، المراسم العلویة فی النبوة، قم، الحرمین.
۳۱. رحمانی، محمد، (۱۳۷۸)، «بیت‌المال در نهج البلاغة»، فصلنامه‌ی حکومت اسلامی، ۱۳۷۸، شماره‌ی ۱۷.
۳۲. رستمیان محمدعلی، (۱۳۷۹)، وظایف و مسئولیت‌های حاکم در نگاه علی(ع)، حکومت اسلامی، شماره‌ی ۱۸.
۳۳. سروش محلاتی، محمد، (۱۳۸۶)، «مسئولیت حکومت اسلامی در آموزش و پرورش رسمی»، نشریه‌ی تربیت اسلامی، شماره‌ی ۵.
۳۴. سلامی، سیدرضا؛ تقوی فرد، محمد و سلطانزاده، جواد، (۱۳۸۹)، «شناسایی عوامل موثر بر سیاست‌گذاری علم و فناوری (مطالعه موردی: شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران)»، نشریه‌ی مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت، شماره‌ی ۱۳، صص ۴۳-۵۹.
۳۵. شریعتی، روح الله، (۱۳۷۸)، قواعد فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۶. طوسی (شیخ طوسی)، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۳۸۷، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبة المرتضویة، چاپ سوم.
۳۷. _____، (۱۴۱۷ق)، العدة فی أصول الفقه، محقق. انصاری قمی، محمدرضا، ج۱، قم، (بی نا)



۳۸. عظیمی نژاد، هادی؛ عظیمی نژاد، زهرا و الوانی، سیدمهدی، (۱۳۹۸)، «حکمرانی پژوهش در حوزه: ICT ارائه ی چارچوبی برای اولویت بندی پژوهش ها»، تهران، پنجمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت.
۳۹. علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۸)، فقه و مصلحت، قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی
۴۰. فلاح سلوکلائی، محمد، (۱۳۹۰)، سازکارهای نظارت بر حکومت در اسلام و نظام لیبرال دموکراسی، قم، انتشارات موسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
۴۲. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر، قم، موسسه دارالهجرة.
۴۳. قاسمی قلعه بهمن، محمود. (۱۴۰۱). تزامم و قانون تقدم مصلحت اهم و مصادر تعیینی ترجیح به اهمیت، با تأکید بر حوزه ی امور عمومی و حکومتی. پژوه نامه فقه و علوم اسلامی، ۱(۲)، ۴۷-۹۰.
۴۴. کربلایی پازوکی، علی (۱۳۸۹)، اهداف حکومت اسلامی از منظر نهج البلاغه، رهیافت انقلاب اسلامی سال چهارم بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۲.
۴۵. کردبچه، محمد، (۱۴۰۱)، سیر تحولات برنامه ریزی و بودجه ریزی در ایران و جهان، تهران، نور علم
۴۶. موسوی بجنوردی، سید حسن، ۱۴۱۹، القواعد الفقهیه. قم، نشر الهادی.
۴۷. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۲۸ق)، رسائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه قم.
۴۸. نائینی، محمد حسین (۱۴۲۴ق)، تنبیه الامة و تنزیه الملة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه
۴۹. ناظمی، امیر؛ و رفسنجان ی نژاد، سیما، (۱۳۹۶)، باز طراحی ساختار حکمرانی علم، فناوری و نوآوری براساس مدل دولت تنظیم گر. اولین کنفرانس حکمرانی و سیاست گذاری عمومی. تهران، دانشگاه صنعتی شریف.
۵۰. نریمانی، میثم؛ و حسینی، سید جعفر، (۱۳۹۸)، مبانی نظری سیاست گذاری علم، فناوری و نوآوری از نگاه مکاتب علم اقتصاد. سیاست علم و فناوری. ۱۱(۲)، صص ۷۰-۵۹.
۵۱. وحید بهبهانی، محمدباقر، (۱۴۱۷ق)، الحاشیه علی مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسه ی علامه وحید بهبهانی، چاپ اول.
۵۲. نصر اصفهانی، زهرا، خیام باشی، بیژن و شهبازی، صادق، (۱۳۹۹)، طراحی مدل استوار بودجه ریزی بر مبنای عملکرد گروه های پژوهشی در مراکز تحقیق و توسعه (نمونه پژوهش: مرکز تحقیق و توسعه دفاعی)، پژوهش های راهبردی بودجه و مالی سال اول تابستان ۱۳۹۹ شماره ی ۲، صص ۸۷-۱۰۷.
۵۳. نوایی، علی اکبر، (۱۳۷۸)، اختیارات حاکم اسلامی. اندیشه ی حوزه. شماره ۱۸، صص ۵۶-۳۹.
۵۴. هاشمی شاهرودی محمود، (۱۳۹۳)، روش استدلال در علم فقه، فصلنامه ی فقه اهل بیت، ۷۹، ۷-۵.
۵۵. یتربی، سید علی محمد و سلیم زاده، محمد هادی، (۱۴۰۳)، بودجه از منظر فقه و اقتصاد مقاومتی، نشریه ی پژوهش های فقهی مسائل مستحدثه، دوره ی ۲، شماره ی ۲، شماره پیاپی ۳، صص ۸۴-۱۰۴.
۵۶. یعقوبی، محمود و غفاری، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، ساختار مفهومی سیاست گذاری علم و فناوری در حوزه ی مهندسی. فصلنامه ی آموزش مهندسی ایران. صص ۴۹-۲۱.
۵۷. یغمایی، ابوتراب، (۱۳۹۵)، آیا شاخص های علم، پیشرفت علمی را نشان می دهند؟ ارزیابی فلسفی یک



اصل در سیاست گذاری علم و فناوری. روش شناسی علوم انسانی. شماره ی ۸۷، صص ۵۶-۳۳.
۵۸. سیاست های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی
(مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام به نقل از سایت رسمی مجمع // [https://
maslahat.ir/fa/news/5017](https://maslahat.ir/fa/news/5017))

59. Kavufmann, Daniel, 2003. "Rethinking Governance: Empirical Lessons
Challenge

